سراشتاب

و چندراهی‌های آینده‌ساز

ست؟

چه کسی دوست بشویم و از چه
جوان است. کودکی که تا قبل از آن
وانی احساس می‌کند دلش می‌خواهد با
ی‌کند دغدغه‌هایی دارد که فقط دوستانش

انتخاب کند؟
اره دوست هست، رجوع کنیم و پرونده این بخش را
ت.
شود یا تاثیر دوست موقتی است و به محض قطع ارتباط،
برات ظاهری، اندیشه و دیدگاه‌های افراد است که به هم
شویق کند یا آیه یأس بخواند و موفقیت و تلاش را با گفتن

تاثیر دوست بر فرد باقی می‌ماند. گاهی آن دوست یک
ی را برای شما به یادگار می‌گذارد که همین‌ها تا مدت‌ها

ن روبه‌رو می‌شود، چطور برخورد کند!
همه اینها خودش باید تلاش کند که شناختن



چکاره‌ای؟

وقتی در اواسط نوجوانی قرار می‌گیری، سؤالی که در کودکی هر بزرگ‌تری از شما می‌پرسد، دائما در پس ذهنت تکرار می‌شود: «می‌خواهی چه‌کاره شوی؟»
اگر قرار باشد برای جواب دادن به این سؤال، آرمانی و رؤیایی فکر کنیم احتمالا جوابی مثل کودکی‌های‌مان خواهیم داد اما نوجوانی یک سر و گردن بالاتر است.
برای انتخاب شغل در نوجوانی، اول از همه خود نوجوان مسئول است و حق انتخاب دارد. اگر چشم بسته پیش برود یا باری به هرجهت، کلاهش پس معرکه است.
از طرفی این مدارس هستند که باید دست نوجوان را بگیرند. همان‌طور که چیزی تحت عنوان کنکور برپاست و دائما اسمش در گوش‌ها تکرار می‌شود، باید مشورت درست و حسابی هم نصیب نوجوان بشود. چه آن کسی که کنکور می‌دهد و چه نمی‌دهد. البته قسر در رفتن از دست مافیای کنکور و به‌تازگی مافیای معدل هم کار راحتی نیست؛ مخصوصا آن زمانی که با روان‌شناسی‌های زرد برای نوجوان رویاسازی می‌کنند.
از طرف دیگر خانواده آگاه می‌تواند به نوجوان کمک کند. به هرحال این حق انتخاب به گردن نوجوان است اما هرچه باشد خانواده دو تا پیراهن بیشتر پاره کرده است.



خوراک! چرا و چگونه؟

هرچقدر بیشتر در نوجوانی پیش می‌رویم، انتخاب‌های ما به‌عنوان یک انسان مهم‌تر می‌شود؛ همان‌طوری که حواس‌مان به سلامت جسم و بهداشت‌مان است، باید هوای سلامت روح را هم داشته باشیم و هر غذای فکری را در آن نچپانیم.
وقتی بخش مهمی از اوقات فراغت ما با مطالعه کتابی یا دیدن فیلمی می‌گذرد، آن وقت فقط برای سرگرمی صرف نشده است. هر آنچه خوانده می‌شود و دیده می‌شود، چه برای مطالعات بیشتر و چه برای سرگرمی در گوشه‌ای روی هم جمع می‌شود و سرجمع، خوراک فکری ما را شکل می‌دهد.
بیشتر آدم‌ها عقاید، تفکرات و نگاه‌شان به زندگی ریشه در خوراک فکری‌ای دارد که در نوجوانی مصرف کرده‌اند. برای همین هم است که فعالان حوزه نوجوان، همیشه داد و فریاد می‌کنند که ای کسانی که دم از دغدغه‌مندی و کار پرورشی، فرهنگی برای نسل جدید می‌زنید، مسأله در نوجوانی است! میدان خوراک فکری و سرگرمی را خالی کرده‌اید برای که؟ برای چه؟
بگذریم!
به‌هرحال به‌عنوان یک انتخاب که برعهده نوجوان است، این‌که چه چیزی را ببیند، چه چیزی را بخواند و حتی با چه چیزی بازی کند، خودش تاثیرگذار است؛ آن هم نه تاثیر موقت، بلکه عمیق و جدی!



کجا برم؟ چرا برم؟

بسیاری از این موارد که ما تحت عنوان حق انتخاب نوجوان در این دو صفحه می‌آوریم، شروعش در نوجوانی است اما پایانش تا آخر عمر. مثلا شما تا آخر عمر با انتخاب این‌که کجا بروید و کجا نروید، سر و کار دارید اما شروع این انتخاب‌ها، در نوجوانی است.
«محیط» همان عاملی که می‌گذارند کنار وراثت برای شکل‌گیری شخصیت انسان، از تاثیرگذارترین‌هاست. البته من می‌خواهم درباره کلمه محیط در معنای خاص مکان صحبت کنم؛ مکانی که شما زمانی را در آن سپری می‌کنید، از مدرسه گرفته تا مکانی که سرتان را آنجا گرم می‌کنید، از محیط کاری تا محیط اجتماعی که دائما در آن رفت‌وآمد دارید و حتی محیط مجازی‌ای که برای خود می‌سازید. همه اینها انتخاب‌هایی است که یکی‌یکی سر راه شما قرار می‌گیرد.
یک بخشی از حواس جمعی‌ها وظیفه‌اش برعهده خانواده است و بخش دیگر برعهده جامعه اما بخش مهمی از این انتخاب‌ها را نوجوان رقم می‌زند. محیط بخش مهمی از اهمیتش به‌دلیل قرار گرفتن در کنار آدم‌هاست و تاثیری که خواه‌ناخواه از آنها می‌گیریم. بخش دیگر تاثیرگذاری محیط به دلیل سیستمی است که آنجا با آن اداره می‌شود و آن سیستم بر عادت‌های رفتاری و شخصیتی ما تاثیر می‌گذارد. همان‌طور که می‌گویند محیط کاری نظامی، انسان‌هایی منظم‌تر و سخت‌تر را نسبت به محیط‌های کاری دیگر پرورش می‌دهد. این درباره محیطی که در آن درس می‌خوانید یا اوقات‌فراغت خود را می‌گذرانید نیز صدق می‌کند.